



India, the Persian Gulf and the emergence of a superset

Received : 2023/07/17

accepted : 2023/08/16



Arzoo Zare Askari:
PhD student in
International Relations,
Rafsanjan Branch,
Islamic Azad University,
Rafsanjan, Iran

Email:
arezo533@gmail.com

abstract

In recent years, India has tried to introduce itself as a world power and therefore has made various efforts to accept its position under this title to other actors. From the perspective of the theory of regional security complex, whenever a regional power projects its power to another security complex, it is actually trying to act as a great power. India, as a country that is part of the security complex of South Asia, has tried to project its power to the security complex of the Persian Gulf and therefore applies its own strategy in communicating with the countries of this region. According to the theory of regional security complex, In this situation and by merging two security sets, a super set is created. The main question of this research was, what effect will India's presence in the Persian Gulf have on the regional security complex of the Persian Gulf? Based on this question, the research hypothesis states that India's presence in the Persian Gulf leads to the creation of a super-complex due to the integration of the two security complexes of the Persian Gulf and South Asia. This research, using the content analysis method, examined the documents and statements contained in the Ministry of Foreign Affairs of India and analyzed them based on the theory of the regional security complex. The findings of the research showed that India's presence in the security complex of the Persian Gulf is a result of the change in the paradigm of India's foreign policy during the Modi era and has led to the creation of a super-complex.

Keywords: Regional Security Complex, Security superset, Persian Gulf, India

هند، خلیج فارس و ظهور یک ابرمجموعه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

چکیده

هند در سال های اخیر کوشیده است خود را به عنوان یک قدرت جهانی معرفی کند و از این رو تلاش های گوناگونی را به عمل آورده تا موقعیت خود را تحت این عنوان به دیگر کنشگران بقبولاند. از منظر نظریه مجموعه امنیت منطقه ای هر گاه یک قدرت منطقه ای قدرت خود را به یک مجموعه امنیتی دیگر فرافکنی کند، در واقع تلاش می کند تا به عنوان یک قدرت بزرگ عمل کند. هند به عنوان کشوری که در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی قرار گرفته نیز به این منظور کوشیده است قدرت خود را به مجموعه امنیتی خلیج فارس فرافکنی کند و از این رو در ارتباط گیری با کشورهای این منطقه استراتژی خود را اعمال می کند. بر اساس نظریه مجموعه امنیت منطقه ای، در این وضعیت و از طریق ادغام دو مجموعه امنیتی یک ابرمجموعه ایجاد می شود. سؤال اصلی این پژوهش این بود که حضور هند در خلیج فارس چه تأثیری بر مجموعه امنیت منطقه ای خلیج فارس خواهد داشت؟ بر اساس این سؤال، فرضیه تحقیق بیان می دارد که حضور هند در خلیج فارس منجر به ایجاد یک ابرمجموعه ناشی از ادغام دو مجموعه امنیتی خلیج فارس و آسیای جنوبی می شود. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا اقدام به بررسی اسناد و بیانات مندرج در وزارت خارجه هند نموده و آن ها را بر اساس نظریه مجموعه امنیت منطقه ای مورد تحلیل قرار داده است. یافته های پژوهش نشان دادند حضور هند در مجموعه امنیتی خلیج فارس ناشی از تغییر پارادایم سیاست خارجی هند در دوره مودی بوده و منجر به ایجاد یک ابرمجموعه شده است.

کلیدواژه ها: مجموعه امنیت منطقه ای، ابرمجموعه امنیتی، خلیج فارس، هند



آرزو زارع عسکری:

دانش آموخته دکتری روابط بین الملل واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، رفسنجان

Email:
arezo533@gmail.com

رابطه هند با منطقه خلیج فارس یک رابطه دیرینه و کهن است. هند از نظر جغرافیایی و تاریخی با این منطقه و مردم آن دارای ارتباطات فرهنگی و تجاری بوده است. در یک وضعیت روشن تر می توان دید که از قرن ۱۴ میلادی تا سال ۱۹۴۷ و استقلال هند، مناطق شمال غربی این کشور با ایران، به عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه و منطقه خلیج فارس هم مرز بود. این مرزها بیش از آنکه مرزهای سیاسی یا جغرافیایی باشد، بیشتر مرزهای مبتنی بر پیوندهای فرهنگی و تعاملات انسانی در طول تاریخ بوده است. در حال حاضر نیز مرزهای دریایی در سواحل غربی هند با منطقه خلیج فارس ارتباط و پیوند دارد. هند با شبه جزیره عرب روابط نزدیکی داشته است و این روابط منجر به تجارت و پیوندهای تجاری به قدمت هزاران سال و همچنین ارتباطات مردمی و تبادلات اجتماعی - مذهبی شد. هند بریتانیا ارتباط نزدیکی با منطقه خلیج فارس داشت و مأموریت‌های بریتانیا در شبه جزیره عربستان از طریق بمبئی اداره می شد. هند پس از استقلال سرمایه زیادی را برای توسعه روابط سیاسی و تجاری با خلیج فارس به کار نگرفت که منجر به حاشیه‌ای شدن این منطقه در سیاست هند در غرب آسیا (خاورمیانه) شد. این امر ناشی از دو عامل مهم بود: یک، گسترش گسترده تر خارجی جهت گیری سیاست هند که از دریچه همبستگی ضد استعماری به جهان می نگرست و دو، نگرانی در دهلی نو در مورد روابط نزدیک پاکستان و همذات پنداری با کشورهای خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و ایران به عنوان کشورهای هم مذهب با پاکستان.

با این حال در دولت نارندرا مودی هند سیاست خارجی فعالانه تری را در قبال خلیج فارس در پیش گرفته است. هدف اصلی این مقاله این است که بررسی کند آیا الگوهای دوستی و دشمنی پیوند هند با خلیج فارس از زمانی که نارندرا مودی به عنوان نخست وزیر هند در سال ۲۰۱۴ روی کار آمد تغییر کرده است یا خیر؟ از نظر تجربی، این دوره مهمی برای روابط هند و خلیج فارس بوده است. از نظر تحولات مجموعه امنیتی خلیج فارس، در دوره مورد مطالعه می توان گفت در همین دوره دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و تحریم‌ها را مجدداً اعمال کرد. جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده، پس از به قدرت رسیدن در ژانویه ۲۰۲۱، نتوانست این توافق را احیا کند. در همین حال، ایران و چین در مارس ۲۰۲۱ توافقنامه همکاری ۲۵ ساله امضا کردند. سرانجام، روابط هند و خلیج فارس در ژوئن ۲۰۲۲ با واکنش کشورهای حاشیه خلیج

فارس به اظهارات تحقیرآمیز درباره حضرت محمد (ص) توسط دو سیاستمدار از حزب مودی بهاراتیا جاناتا^۱ چالش برانگیز شد. از نظر تئوری، این مقاله مبتنی بر نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای^۲ و ایده‌های آن در مورد ظهور یک ابر مجموعه زمانی است که یک قدرت بزرگ «قدرت خود را به مناطق مجاور» می‌فرستد. اگر دینامیک بین منطقه‌ای جایگزین پویایی در یک مجتمع امنیتی منطقه‌ای شود، این بدان معناست که دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای مجاور در حال ادغام هستند و یک مجموعه امنیتی واحد را تشکیل می‌دهند (Buzan & Wæver, ۲۰۰۳: ۹۵, ۱۱۴).

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق سیاست خارجی هند در قبال خلیج فارس را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. در وهله نخست تحقیقات و پژوهش‌هایی وجود دارند که به نزدیکی فزاینده هند به خلیج فارس در دوران رهبری مودی اشاره کرده‌اند. این مقالات و پژوهش‌ها استدلال می‌کنند که رویکرد توجه به منطقه خلیج فارس در دولت مودی در مقایسه با پیشینیان وی، یک رویکرد بی سابقه است. به عنوان مثال، احمد^۳ (۲۰۱۵) می‌نویسد: «نارندرا مودی در شش سال نخست وزیری خود، زمان، تلاش و تعهد بیشتری نسبت به سایر پیشینیان خود صرف ایجاد روابط با منطقه خلیج فارس کرده است.» به موازات آن، نظریه پردازان مجموعه امنیت منطقه‌ای پیشنهاد کرده‌اند که یک ابرمجموعه آسیایی در حال ظهور است، زیرا نظم بین‌المللی به سمت وضعیت جهان‌گرایی غیرمتمرکز حرکت می‌کند که در آن هیچ ابرقدرت و چندین قدرت بزرگ وجود ندارد (Buzan, ۲۰۱۱: ۱۴). در همین حال، محققان در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و حتی خارج از آن به این مقوله پرداخته‌اند که آیا میتوان هند را در این تحولات اخیر به عنوان یک قدرت جهانی در نظر گرفت یا خیر؟ (Pröbsting, ۲۰۲۰). پیش از ورود به بحث نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای به نظر میرسد این سه گونه ادبیات تحقیقی نیازمند یک تحلیل کوتاه و اجمالی باشند. اهمیت این مرور در این است که میتوان مبنایی برای توضیحی نظری مبتنی بر شواهد برای چرخش ظاهری هند به سمت کشورهای عربی خلیج فارس و دور شدن از ایران در زمان

۱- Bharatiya Janata Party - BJP

۲- Regional Security Complex Theory - RSCT

۳- Ahmad

چرخش ظاهری هند به سمت خلیج فارس

ارتباط و گرایش به سمت خلیج فارس ابعاد و جوانب مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها وضعیت ایران در این مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مهم‌ترین شاخص این مجموعه امنیتی تقابل ایران و آمریکا در این مجموعه امنیتی بوده است. سایر کشورهای خارج از این مجموعه نیز به نحوی با این مقوله درگیر هستند. پژوهشگران و محققانی هستند که به تحلیل و مطالعه تأثیر تحریم‌های آمریکا بر روابط ایران و هند پرداخته‌اند.

نویسندگانی چون حافظ^۱ (۲۰۱۹)، حسین وانی، میر و احمد شاه^۲ (۲۰۱۹)، سیچ و سینگ^۳ (۲۰۱۸)، جان‌ی^۴ (۲۰۱۷) به تأثیر مخرب فشار ایالات متحده بر تجارت و همکاری استراتژیک هند و ایران اشاره کرده‌اند. این تأثیر منفی شامل کاهش واردات نفت هند از ایران، اتکای بیشتر هند به واردات نفت از کشورهای عربی خلیج فارس و تصور ایران مبنی بر اینکه هند به سمت دشمنان خود در خلیج فارس و ایالات متحده حرکت کرده است، می‌شود. این محققان و تحلیلگران استدلال می‌کنند که این امر سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار ایران و همچنین خودمختاری استراتژیک آن را به خطر می‌اندازد.

نویسندگان دیگری از جمله احمد^۵ (۲۰۱۵)، برتون^۶ (۲۰۱۹)، چاودوری^۷ (۲۰۱۷)، حسین^۸ (۲۰۱۷)، سیچ (۲۰۱۷)، موهان^۹ (۲۰۲۰) و پرادهان (۲۰۲۰)، بر تعمیق روابط هند با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأکید کرده‌اند. چاودهوری^{۱۰} (۲۰۱۷a) این تغییر را به ناامیدی پادشاهی‌های خلیج فارس از پاکستان، نگرانی آن‌ها از احتمال گسست ایالات متحده و ایران نسبت می‌دهد.

۱- Hafeez

۲- Hussain Wani, Mir & Ahmad Shah

۳- Siyech & Singh

۴- Johny

۵- Ahmad

۶- Burton

۷- Chaudhuri

۸- Hussain

۹- Mohan

۱۰- Chaudhuri

چاودهوری (۲۰۱۷b) از طریق، به رسمیت شناختن قدرت رو به رشد هند و نزدیکی فزاینده هند به ایالات متحده و تمایل هند به انزوای پاکستان و جذب سرمایه‌گذاری همچنین ادعا می‌کند که ایران در فهرست اولویت‌های هند در سیاست خارجی جدید و اصلاح شده خود افول کرده است. لو معتقد است «اهمیت قائل شدن هند برای انرژی‌های تجدیدپذیر، تمایلش به تنوع بخشیدن به منابع انرژی از خلیج فارس و فقدان مهاجران هندی قابل توجه در ایران از دلایل این امر است». چاودهوری (۲۰۱۷b) علاوه بر اظهار نظر در مورد ابهام ایران مبنی بر اعطای سهام به هند در میدان گازی فرزاد بی و عدم تمایل شرکت‌های هندی به تجارت با ایران به دلیل تحریم‌های ایالات متحده، همچنین مدعی است که هند دیگر خلیج فارس را صرفاً منبعی سرشار از نفت و گاز نمی‌داند بلکه این منطقه را منبع سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک و بلندمدت نیز در نظر می‌گیرد.

حسین (۲۰۱۷) بر گسترش روابط هند و عربستان سعودی از زمان دوره ریاست جمهوری مانموهان سینگ و بیانیه ریاض در سال ۲۰۱۰ تأکید می‌کند که این ارتباط را به یک مشارکت استراتژیک ارتقا داد. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هند در عربستان سعودی و سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در هند گسترش یافته است، هند در حال آموزش پرسنل سعودی است و دو کشور در حال همکاری در تولیدات دفاعی هستند. حسین به مشارکت استراتژیک انرژی، اشتراک اطلاعات، معاهدات استرداد، همکاری ضد تروریسم و فرصت‌هایی برای دانشجویان برای دریافت آموزش عالی و انجام تحقیقات در کشورهای یکدیگر اشاره می‌کند. او می‌گوید به نظر می‌رسد هند و عربستان سعودی به نقطه‌ای رسیده‌اند که برخلاف گذشته مصمم هستند که اجازه ندهند توسعه بیشتر روابط بین آن‌ها توسط روابطشان با کشورهای ثالث (مثلاً ایران یا پاکستان) محدود شود.

به طور مشابه، سینچ (۲۰۱۷) بر مشارکت استراتژیک هند و امارات متحده عربی تمرکز می‌کند و به تمایل امارات متحده عربی به سمت هند و دور شدن از پاکستان اشاره می‌کند، که در بیانیه خود در مورد حمله تروریستی در جامو و کشمیر تحت کنترل هند در اکتبر ۲۰۱۶ مشهود است. علاوه بر این او نشان می‌دهد که هند در دوره مودی تغییر پارادایم شده است و پادشاهی‌های خلیج را «مجموعه‌ای از دولت‌های نفتی که توسط فئودات‌های محافظه‌کار اداره می‌شوند» و به عنوان منابع «ایدئولوژی مذهبی افراطی که شبه قاره را بی‌ثبات می‌کند» نگاه می‌کند. پرادان^۱ (۲۰۲۰) اعطای نشان زاید از سوی

امارات به مودی و دریافت جایزه عبدالعزیز ساش از عربستان سعودی و نشان پادشاه حمد رنسانس از بحرین را ذکر می‌کند. وی همچنین به همکاری هند و کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه کویت و امارات برای مقابله با بحران کرونا اشاره کرد.

گانگولی و بلارل^۱ (۲۰۲۰) و احمد (۲۰۲۰) با تعدیل این مطالعات، بر تأثیر منفی ایدئولوژی هندوتوا و گفتمان اسلام هراسی در هند بر روابط با کشورهای عربی خلیج فارس تأکید می‌کنند. هر دو مقاله به لفاظی علیه مسلمانان در هند در طول بحران ویروس کرونا به عنوان به خطر انداختن حمایت کشورهای عربی خلیج فارس از هند اشاره می‌کنند که زمانی که هند ماده ۳۷۰ قانون اساسی خود را در مورد جامو و کشمیر و در جریان شورش‌های مذهبی در دهلی در سال ۲۰۲۰ لغو کرد، مشهود بود. پس از بحران درباره اظهارات توهین آمیز دو سخنگوی حزب حاکم در مورد پیامبر اسلام، چندین مقاله در مورد چگونگی تأثیر این حادثه بر روابط هند با منطقه خلیج فارس به ویژه و به طور گسترده‌تر منطقه غرب آسیا حدسیاتی را مطرح کردند (گوپال^۲، ۲۰۲۲).

نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای

در نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای دولت‌های قدرتمند به سه دسته به ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای تقسیم می‌شوند (Buzan & Wæver, ۲۰۰۳: ۲۸). باری بوزان و اولی ویور (۲۰۰۳: ۳۳) معتقدند که یک سیستم ۱+۴ شامل یک ابرقدرت (ایالات متحده آمریکا) و چهار قدرت بزرگ (اتحادیه اروپا (EU)، ژاپن، چین و روسیه) مشخصه دوران جنگ سرد است. در این دوره، هند پیوسته ادعا می‌کرد که یک قدرت بزرگ است. با این حال، این کشور شرایط لازم برای شناخته شدن به عنوان یک قدرت بزرگ را نداشت. علاوه بر این، بخشی از محاسبات استراتژیک سایر دولت‌ها به گونه‌ای نبود که نشان دهد این کشور یک قدرت بزرگ است.

بوزان و ویور (۲۰۰۳: ۴۴) مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای را منطقه‌هایی که از دریچه امنیت دیده می‌شوند می‌دانند. آن‌ها مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای را به عنوان «مجموعه‌ای از واحدها تعریف می‌کنند که فرآیندهای اصلی امنیتی‌سازی، امنیت‌زدایی یا هر دو به گونه‌ای

۱- Ganguly & Blarel

۲- Gopal

به هم مرتبط هستند که مشکلات امنیتی آن‌ها به طور منطقی قابل تجزیه و تحلیل یا حل و فصل جدا از یکدیگر نیست». در درون مجموعه امنیتی غرب آسیا، خلیج فارس به عنوان یک مجموعه فرعی دیده می‌شود که دارای الگوهای متمایز وابستگی متقابل امنیتی خود است که با این وجود در الگوی گسترده‌تری قرار دارد که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به عنوان یک کل تعریف می‌کند.

علاوه بر این، بوزان و ویور (۲۰۰۳: ۶۶-۶۷) به پتانسیل تبدیل بیرونی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از طریق جابجایی مرز بیرونی آن اشاره می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که یکی از راه‌هایی که ممکن است این اتفاق بیفتد این است که دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای با هم ادغام شوند. با این حال، آن‌ها همچنین پتانسیل ظهور یک ابرمجموعه را زمانی که یک قدرت بزرگ در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای قدرت خود را به یک منطقه مجاور می‌فرستد، نشان می‌دهد، بنابراین یک پویایی امنیتی بین منطقه‌ای قوی و پایدار ایجاد می‌کند. این پویایی بین منطقه‌ای دینامیک منطقه‌ای را نادیده نمی‌گیرد، بنابراین مجموعه‌های اصلی دست نخورده باقی می‌مانند. آن‌ها ظهور ابرمجموعه‌ای را که شرق و جنوب آسیا را به هم پیوند می‌دهد به دلیل ظهور چین و فرافکنی قدرت آن در جنوب آسیا تبیین می‌کنند.

از نظر ارتباط بین مجموعه‌های جنوب و غرب آسیا، بوزان و ویور (۲۰۰۳) پتانسیل ادغام این دو مجموعه امنیت مجاور را به دلیل روابط نزدیک پاکستان ابتدا با ایران و متعاقباً با عربستان سعودی، از جمله روابط نظامی با دومی و همچنین نگرانی مشترک اسرائیل و هند در مورد بمب هسته‌ای پاکستان تشخیص دادند. با این حال، آن‌ها این تحولات را آن قدر قوی نمی‌دانند که منجر به دو مجموعه امنیتی جنوب و غرب آسیا شود زیرا از دید آن‌ها افغانستان یک سد در برابر این اتحاد محسوب می‌شود و دو مجموعه را از هم جدا می‌کند. آن‌ها می‌گویند: «در بین پویایی‌های امنیتی منطقه‌ای جنوب آسیا و خاورمیانه، افغانستان همیشه یک سد یا عایق بوده که همزمان با شمال، شرق و غرب روبرو بود و همسایگان خود را در همه جبهه‌ها درگیر می‌کرد، اما آن‌ها را بسیار بیشتر از کنار هم قرار دادن آن‌ها از هم دور نگه می‌داشت» (Buzan & Wæver, ۲۰۰۳: ۴۸۷).

در نهایت، بوزان و ویور (۲۰۰۳) این امکان را مطرح می‌کنند که هند «منطقه خود را با ارتقاء به جایگاه سومین قدرت بزرگ آسیایی» فراتر می‌برد. آن‌ها شواهدی را می‌بینند که نشان می‌دهد این اتفاق می‌افتد، و هند به طور پیوسته از محدودیت دیرینه خود در

جنوب آسیا عبور می‌کند و شروع به ایفای نقش گسترده‌تری به عنوان یک قدرت بزرگ آسیایی می‌کند. با این حال، آن‌ها «تداوم الگوهای بین آسیای جنوبی و خاورمیانه» را توضیح می‌دهند. آن‌ها استدلال می‌کنند که مرزهای بین مجموعه آسیای جنوبی و همسایگان آن در حال شکستن و شکل‌گیری پیکربندی‌های جدیدی از دوستی / دشمنی و قطبیت نبوده است. در عوض، بوزان و ویور معتقدند که در حالی که مرزهای جداکننده مجموعه‌های امنیتی ثابت است، هند به طور فزاینده‌ای در سطح بین منطقه‌ای به عنوان یک قدرت بزرگ شروع به فعالیت می‌کند.

در مقاله دیگری، بوزان (۲۰۱۱) می‌گوید نظم بین‌المللی به سمت یک وضعیت جهانی گرایشی متمرکز در حال حرکت است که در آن قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای وجود دارند، اما ابرقدرت‌ها وجود ندارند. او همچنین استدلال می‌کند که «ادعای هند برای موقعیت قدرت بزرگ اکنون قابل قبول است». بنابراین، او ادعا می‌کند که هند مسلماً اکنون یک قدرت بزرگ در سطح جهانی و بنابراین در آسیا است.

هند به عنوان یک قدرت بزرگ

دیدگاه‌های مختلفی در ادبیات خارج از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای درباره وضعیت هند به عنوان یک قدرت بزرگ وجود دارد. به عنوان مثال، پاردسی^۱ (۲۰۱۵) استدلال می‌کند که هند به دلیل طرح موفقیت آمیز قدرت خود در آسیای جنوب شرقی و فراتر رفتن از منطقه اصلی خود در آسیای جنوبی، به موقعیت قدرت بزرگی دست یافته است. او به منطقه اقیانوس هند (از جمله خلیج فارس) به عنوان یکی دیگر از مناطق بالقوه‌ای اشاره می‌کند که هند در آن به عنوان یک قدرت بزرگ فعالیت می‌کند یا به زودی در آن فعالیت خواهد کرد.

در مقابل، پروبستینگ^۲ (۲۰۲۰) با اشاره به درآمد سرانه پایین هند، سطوح بالای فقر و نابرابری، شکاف‌های اجتماعی عمده، افزایش بدهی و بحران شدید اقتصادی در رژیم مودی، این استدلال را مورد تردید قرار می‌دهد. او همچنین بر ادعای آرویند سوبرامانیا، مشاور ارشد اقتصادی سابق هند در زمان مودی تأکید می‌کند که مقامات دولت‌های

۱- Pardesi

۲- Pröbsting

قبل از ارقام مهم در مورد رشد تولید ناخالص داخلی به شدت اغراق آمیز عنوان می‌کردند. پروست‌ینگ بر سطوح بالای وام‌های بد انباشته شده توسط بانک‌های هندی و پدیده فرار سرمایه از هند تأکید می‌کند. بر اساس این عوامل، او ادعا می‌کند که هند به قدرتی بزرگ نزدیک نیست. او همچنین در باره نفوذ هند در خارج بحث می‌کند و اصرار دارد که نفوذ هند تقریباً به طور کامل به جنوب آسیا محدود است، جایی که پاکستان و چین مرتباً آن را به چالش می‌کشند.

سینگ (۲۰۲۱) با تمرکز بر تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا بر قدرت هند، هشدار می‌دهد که واکنش ناکافی هند به بحران بهداشتی به شدت به قدرت نرم این کشور آسیب وارد کرده است. سینگ با این استدلال که شهرت هند به عنوان یک لیبرال دموکراسی قبلاً در دوره مودی تضعیف شده بود، ادعا می‌کند که آسیب به قدرت نرم هند به دلیل واکنش ضعیف آن به بحران کرونا از نظر ادعای هند برای داشتن موقعیت قدرت بزرگ قابل توجه است زیرا «وجود قدرت نرم به دهلی نو این امکان را داد تا برای شروع جایگاه خود در جهان راهی را آغاز کند. او بر پذیرش کمک‌های خارجی توسط هند، ناتوانی این کشور در ارائه طرح‌های چهارگانه برای تأمین واکسن کشورهای منطقه هند و اقیانوس آرام، و تضعیف موقعیت مذاکره در مقابل چین و پاکستان به عنوان شاخص‌هایی از تأثیر همه‌گیری این بیماری بر قدرت هند تأکید می‌کند. او همچنین بر شکست هند در انجام تعهدات خود برای تأمین واکسن به کشورهای آسیایی و آفریقایی و موفقیت چین در گام برداشتن برای حمایت از سایر کشورهای جنوب آسیا در مبارزه با ویروس تأکید می‌کند، بنابراین هند را در رقابت برای تبدیل شدن به یک شریک جذاب و قابل اعتماد در جهان و آسیای جنوبی پشت سر می‌گذارد.

قبلاً در مورد روابط هند با خلیج فارس مطالب زیادی نوشته شده است. با این حال، ادبیات پژوهشی موجود در مورد هند و خلیج از هیچ چارچوب نظری استفاده نمی‌کند که ممکن است به محققان کمک کند تا بینش‌های حاصل از مطالعات انجام شده در سایر نقاط جهان را برای درک پویایی‌های بین منطقه‌ای بین جنوب و غرب آسیا، به ویژه هند و خلیج فارس به کار گیرند. این مقاله چارچوب نظری مجموعه امنیت منطقه‌ای را برای روابط بین هند و خلیج فارس اعمال می‌کند تا بینش‌هایی را ارائه دهد که ممکن است از طریق یک مطالعه کاملاً تجربی قابل دسترس نباشد.

علاوه بر این، ادبیات موجود در مورد وضعیت هند به عنوان یک قدرت بزرگ، بر عوامل

مادی یا شهرت و پرستیژ تمرکز دارد. اگرچه بوزان (۲۰۱۱) و پاردرسی (۲۰۱۵) ادعا می‌کنند که هر دو جنبه قدرت را در تعاریف خود گنجانده‌اند، هر دو بر شهرت رو به رشد هند به عنوان یک قدرت بزرگ به عنوان شاهدهی بر کسب این موقعیت تکیه دارند. به طور مشابه، ارزیابی تجربی سینگ (۲۰۲۱) کاهش قدرت نرم هند را برجسته می‌کند، که نشان دهنده سقوط شهرت جهانی است. برعکس، پروبستینگ (۲۰۲۰) تقریباً به طور انحصاری بر هر دو تمرکز دارد.

در این مقاله، معیارهای سه گانه نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای برای طبقه بندی یک دولت به عنوان یک قدرت بزرگ در نظر گرفته می‌شود. تعریف قدرت بزرگ مبتنی بر طبقه بندی بوزان و ویور (۲۰۰۳) از دولت‌ها به عنوان قدرت‌های بزرگ بر اساس؛ (۱) قابلیت‌های مادی آن‌ها؛ (۲) به رسمیت شناختن آن‌ها توسط سایر کشورها به عنوان قدرت‌های بزرگ؛ و (۳) واکنش عملی سایر کشورها به دولت به گونه ای که گویی یک قدرت بزرگ بر اساس محاسبات در سطح سیستم است. بنابراین، وضعیت قدرت‌های بزرگ به توانایی‌های مادی واقعی یک دولت و نحوه درک سایر کشورها از آن بستگی دارد. ضمن اذعان به دیدگاه‌های مختلف علمی در مورد اینکه آیا هند واقعاً یک قدرت بزرگ است، این مقاله بر اساس ارزیابی مبتنی بر نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان (۲۰۰۲؛ ۲۰۱۱)، هند را به عنوان یک قدرت بزرگ آسیایی در نظر می‌گیرد. این مقاله نیز بر اساس همان استدلال بوزان و پاردرسی مبنی بر این که هند در آسیای جنوبی یک قدرت بزرگ است و تلاش می‌کند در خلیج فارس نیز قدرت خود را اعمال کند، به مطالعه خواهد پرداخت.

در حالی که ادبیات مربوط به نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بر شکسته شدن مرز بین آسیای جنوبی و شرقی به دلیل افزایش نفوذ چین تأکید کرده است، اما معتقد است که مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای جنوب و غرب آسیا توسط افغانستان به عنوان یک عامل واگرا از هم جدا می‌شوند. در واقع هدف دیگر این مقاله اینست که به این سؤال پاسخ دهد که آیا هنوز هم افغانستان چنین نقشی دارد یا خیر. همانطور که پاردرسی (۲۰۱۵) از دیدگاه غیر نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای اشاره می‌کند، این احتمال وجود دارد که هند در حال حاضر به عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه اقیانوس هند عمل می‌کند. این پیشرفتی است که نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای تاکنون نتوانسته آن را در نظر بگیرد. این مقاله می‌کوشد تا این خلأ پژوهشی در ادبیات نظری در مورد نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای را پر کند.

تغییر پارادایم هند در سیاست خارجی

همانطور که در مطالب قبلی ذکر شد، محققان و تحلیلگران سیاسی به تغییر روابط هند با خلیج فارس اشاره کرده‌اند و استدلال می‌کنند که هند از ایران فاصله گرفته و در عین حال به کشورهای عرب خلیج فارس نزدیک‌تر شده است. آن‌ها این تغییر را به دلایل مختلف، از جمله فشارهای ایالات متحده و اسرائیل، به ویژه فشارهای دولت ترامپ بر دولت مودی را مطرح کرده‌اند (سیچ و کی آر سینگ، ۲۰۱۸؛ حافظ، ۲۰۱۹؛ ساران، ۲۰۲۰). آن‌ها همچنین به تلاش دولت مودی برای تقویت روابط با اسرائیل، خلیج فارس و ایران تحت سیاست نگاه به غرب و مانعی که اسرائیل و دشمنی کشورهای عرب خلیج فارس با ایران همراه با تحریم‌های ایالات متحده ایجاد می‌کند، اشاره کرده‌اند (برتون، ۲۰۱۹). علاوه بر این، آن‌ها انگیزه‌هایی را که باعث فشار هند به سمت خلیج فارس می‌شود، از جمله تمایل به جذب سرمایه‌گذاری و «انزوای» پاکستان را ارائه کرده‌اند (چاودهری، ۲۰۱۷a). آن‌ها کاهش جذابیت ایران در چشم هند را به دلیل عوامل مختلف، از جمله فقدان مهاجر هندی قابل توجه در ایران - برخلاف خلیج فارس، تلاش هند برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود با نگاه کردن به خلیج فارس؛ و جستجوی آن برای منابع انرژی تجدیدپذیر توصیف کرده‌اند (چودوری، ۲۰۱۷b). علاوه بر این، آن‌ها به شخصیت مودی و تمرکز بر موقعیت و قدرت بین‌المللی به عنوان عواملی که هند را به سمت خلیج فارس هدایت می‌کند، اشاره کرده‌اند. آن‌ها همچنین خاطرنشان کرده‌اند که تجارت هند با پادشاهی‌های عربی خلیج فارس فراتر از هیدروکربن‌ها گسترش یافته و بخش‌های متنوعی از جمله زیرساخت‌ها، تسلیحات، کشاورزی و صنایع دریایی را در بر می‌گیرد (Siyech, ۲۰۱۷).

از سوی دیگر، محققان تمایل کشورهای عرب خلیج فارس برای تقویت روابط با هند را از نظر «ناامیدی» آن‌ها از پاکستان، احتیاط آن‌ها در مورد برجام، و به رسمیت شناختن ظهور هند و تعمیق روابط آن با ایالات متحده توضیح داده اند چاودوری، (۲۰۱۷a). علاوه بر این، آن‌ها تأکید کرده‌اند که با کاهش وابستگی ایالات متحده به نفت خارجی، کشورهای خلیج فارس نیاز فزاینده‌ای به بازارهای جایگزین پایدار مانند هند دارند (Si-yech, ۲۰۱۷).

موهان (۲۰۲۰) این تغییر را به عنوان «یک تغییر پارادایم» در دولت مودی توصیف

می‌کند. همزمان س‌پیج و س‌ینگ (۲۰۱۸) حدس می‌زنند که ایران باید افزایش خرید نفت هند از خلیج فارس را در بحبوحه تحریم‌های آمریکا علیه ایران به‌عنوان «یک «شیب» استراتژیک درک کند. در همین حال، حسین (۲۰۱۷) با اشاره به تداوم س‌یاست هند در قبال خلیج عربی تحت رهبری س‌ینگ و مودی، بر تعمیق روابط هند و عربستان در هر دو نخست وزیر تأکید می‌کند.

بر اساس این مشاهدات تجربی، این تحلیل با این فرضیه آغاز می‌شود که هند در روابط خود با خلیج فارس دستخوش تغییر پارادایم شده است، به‌ویژه از زمانی که دولت مودی در سال ۲۰۱۴ به قدرت رسید. تغییر نگرش به دلیل تلاش هند برای ایفای نقشی برای خود به عنوان یک قدرت بزرگ آسیایی است و شخصیت مودی و تأکید بر موقعیت جهانی به عنوان یک متغیر مداخله‌گر عمل می‌کند. بنابراین، متغیر وابسته، تغییر الگوی هند و انحراف استراتژیک هند از ایران و به سمت خلیج فارس است. متغیر مستقل تمایل هند برای ارتقاء به جایگاه یک قدرت بزرگ است که قبلاً در دوران پس از جنگ سرد وجود داشت، اما در نظم بین‌المللی معاصر که به سمت آنچه بوزان از آن به عنوان جهان‌گرایی غیرمتمرکز یاد می‌کند، انگیزه‌ی بیشتری دریافت کرده است (Buzan & Wæver, ۲۰۱۵; Pardesi, ۴۸: ۲۰۰۳).

به عبارتی در این استدلال می‌توان گفت ایالات متحده تحت دولت بایدن به برجام بازگردد یا نه، مسیر کنونی هند برای نزدیک‌تر شدن به کشورهای عربی خلیج فارس ادامه خواهد داشت. دلیل آن این است که تحریم‌های آمریکا علیه ایران و شخصیت‌های مودی و ترامپ متغیرهای مداخله‌ای هستند که بر تغییر پارادایم هند تأثیر گذاشته‌اند، اما متغیر مستقلی که باعث انحراف استراتژیک هند شده است، تلاش طولانی مدت این کشور برای کسب قدرت بزرگ و گذار ساختاری سیستم بین‌المللی به سمت جهانی‌گرایی غیر متمرکز است (Halperin & Heath, ۲۰۱۲: ۶۵).

تغییر پارادایم هند

در این مقاله کوشیده شده است از یک روش تاریخی و مستمر برای بررسی این که سیاستگذاران هندی چگونه به روابط با خلیج فارس در دوره‌های نخست وزیران آتال بیهاری واجپایی (۲۰۰۴-۱۹۹۸)، س‌ینگ (۲۰۱۴-۲۰۰۴) و مودی (۲۰۱۴- تا کنون)

نگاه کرده‌اند استفاده شود (Halperin & Heath, ۲۰۱۲: ۶۵). به گفته بوزان در سال ۲۰۰۴ محتمل‌ترین سناریو برای دهه‌های آینده ادامه ابرقدرتی ایالات متحده در کنار چندین قدرت بزرگ دیگر است. دومین سناریوی محتمل او این بود که جهان به یک نظم بین‌المللی بدون ابرقدرت‌ها و تنها قدرت‌های بزرگ تبدیل شود. متعاقباً، در سال ۲۰۱۱، او ادعا کرد که احتمال دوم به طور فزاینده‌ای محتمل‌تر می‌شود و نظام بین‌الملل «اکنون به‌طور محسوسی به سمت جهانی بدون ابرقدرت‌ها حرکت می‌کند که در آن محتمل‌ترین سناریو چیزی است که میتوان آن را جهان‌گرایی متمرکز نامید» (Buzan, ۲۰۱۱). از این رو، می‌توان فرض کرد که این گذار به سمت نظم جهانی نامتمرکز در دوره نخست وزیری سینگ رخ داده است. بنابراین، اگر فرضیه ثابت باشد، نشان می‌دهد که تلاش هند برای به رسمیت شناختن به عنوان یک قدرت بزرگ آسیایی در این دوره شتاب بیشتری گرفت. تلاش این کشور برای ایفای نقش مهم‌تری در خلیج فارس نیز در این زمان خود را نشان داد.

این مقاله به عنوان یک مطالعه همگروهی طولی (بر اساس روش هالپرن و هیث)، اظهارات سیاستگذاران هندی را در دوره نخست وزیری واجپایی، سینگ و مودی مورد بررسی قرار می‌دهد تا ارزیابی کند که آیا تغییر الگو در روابط با خلیج فارس در این سه دوره رخ داده است یا خیر؟ این موارد برای درک این تغییر حیاتی هستند زیرا ما را قادر می‌سازند که آیا موضوع پژوهش را می‌توان با نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای تحلیل کرد یا خیر.

موضع‌گیری در مورد قدرت‌های بزرگ که به دنبال فراتر رفتن از مناطق خود و فرافکنی قدرت خود در مناطق مجاور هستند، در مورد ظهور هند به موقعیت قدرت بزرگ و نگرش همزمان آن نسبت به غرب آسیا (Halperin & Heath, ۲۰۱۲) وجود دارد. اگر گزاره‌های مجموعه امنیت منطقه‌ای پابرجا باشد، این امر در تغییر گفتمان از عصر واجپایی به عصر سینگ مشهود خواهد بود. این امر با تصور عمومی در ادبیات تجربی در مورد روابط هند و خلیج فارس که تغییری را در زمان مودی به جای سینگ درک می‌کند، در تضاد است.

گفتمان رسمی هند در مورد روابط با خلیج فارس

در این مقاله برای تفسیر اظهارات مقامات هندی در دولت‌های واجپایی، سینگ و مودی

در رابطه با روابط با خلیج فارس از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به این منظور، اسناد آرشیو وزارت امور خارجه هند^۱ که در وب سایت رسمی این وزارتخانه منتشر شده است مورد استفاده قرار گرفت. این اسناد شامل سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها، بیانیه‌های مطبوعاتی، اسناد دوجانبه/چندجانبه، پاسخ به پرسش‌های رسانه‌ها، جلسات توجیهی رسانه‌ها، مصاحبه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌های پارلمانی و گزارش‌های رسانه‌ای است.

در فرآیند پژوهش، عمدتاً بر روابط هند با ایران، عربستان سعودی و امارات تمرکز شد. در میان کشورهای عربی خلیج فارس، تمرکز بر دو کشور عربستان سعودی و امارات متحده عربی به دلیل اهمیت آن‌ها از نظر وسعت قلمرو، جمعیت و اقتصاد و اهمیت آن‌ها برای هند به عنوان مقصد مهاجران و شرکای تجاری است. در بازخوانی این اسناد به ۲ سند از دوره واجپایی (۲۰۰۴-۱۹۹۸)، ۲۱ سند از دوران س‌ینگ (۲۰۱۴-۲۰۰۴) و ۱۳۰ سند از دوره مودی (۲۰۱۴-اکنون) اشاره شد. تفاوت در تعداد رکوردها از هر دوره به دلیل در دسترس بودن نرخ اختلاف آن‌ها در آرشیو وب وزارت خارجه هند است.

در دوره واجپایی نگاه مثبتی نسبت به ایران وجود داشته و هر دو گزارش مربوط به این دوره حاوی اظهارات مثبتی نسبت به ایران است (جدول ۱). به عنوان مثال، در سخنرانی یاشوانت سین‌ها، وزیر امور خارجه در دسامبر ۲۰۰۳، او از امضای بیانیه دهلی نو در سفر محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران، در ژانویه همان سال تمجید کرد. وی تأکید کرد که هند و ایران در مسیر شراکت استراتژیک قرار دارند، اگرچه تجارت دوجانبه آن‌ها بسیار کمتر از پتانسیل آن است. وی به کریدور شمال - جنوب، چابهار - میلک، مسیر زرنج - دلارام، جاده زرنج - دلارام، پروژه بندر چابهار، و خط راه آهن چابهار - فهرج - بم اشاره کرد.

جدول ۱ گفتمان رسمی هند در مورد روابط با خلیج فارس

درصد	تعداد	عصر واجبایی (1998-2004)
0%	0/2	اسناد نشان دهنده نگرش منفی نسبت به ایران
0%	0/2	اسناد نشان دهنده نگرش بی طرف نسبت به ایران
100%	2/2	اسناد نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به ایران
0%	0/2	اسناد نشان دهنده نگرش منفی نسبت به خلیج فارس
0%	0/2	اسناد حاکی از نگرش بی طرف نسبت به خلیج فارس
0%	0/2	اسناد نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به خلیج فارس
50%	1/2	اسنادی که تلاش هند برای کسب موقعیت قدرت بزرگ را نشان می‌دهد
عصر سینگ (2004-2014)		
19%	4/21	اسناد نشان دهنده نگرش منفی نسبت به ایران
14%	3/21	اسناد نشان دهنده نگرش بی طرف نسبت به ایران
29%	6/21	اسناد نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به ایران
14%	3/21	اسناد نشان دهنده نگرش منفی نسبت به خلیج فارس
10%	2/21	اسناد حاکی از نگرش بی طرف نسبت به خلیج فارس
90%	19/21	اسناد نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به خلیج فارس
38%	8/21	اسنادی که تلاش هند برای کسب موقعیت قدرت بزرگ را نشان می‌دهد
عصر مودی (2014-اکنون)		
3%	4/130	اسناد نشان دهنده نگرش منفی نسبت به ایران
15%	19/130	اسناد نشان دهنده نگرش بی طرف نسبت به ایران
41%	53/130	اسناد نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به ایران
5%	6/130	اسناد نشان دهنده نگرش منفی نسبت به خلیج فارس
5%	6/130	اسناد حاکی از نگرش بی طرف نسبت به خلیج فارس
48%	62/130	اسناد نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به خلیج فارس
27%	35/130	اسنادی که تلاش هند برای کسب موقعیت قدرت بزرگ را نشان می‌دهد

این سخنرانی «همگرایی استراتژیک فزاینده» و «همکاری اقتصادی و تجاری» هند و ایران را در چارچوب جهانی شدن و تمایل هند به ایجاد روابط اقتصادی «در همسایگی گسترده خود» و همچنین نرخ رشد قوی هند (در زمان)، اندازه اقتصاد آن در شرایط برابری قدرت خرید، و تلاش این کشور برای «حضور در اقتصاد جهانی با مشارکت به عنوان شرکای برابر را نشان می‌دهد. بنابراین، «روابط یکپارچه [...]» هند با ایران از قبل بر اساس تلاش هند برای کسب موقعیت قدرت بزرگ تنظیم شده بود (Ministry of External Affairs, ۲۰۰۳). شایان ذکر است، این فشار برای تقویت روابط با ایران در دوره واجپایی پس از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۹۶، اما قبل از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ (Davenport, ۲۰۲۱) صورت گرفت.

در دوران سینگ، ۱۹ درصد از اسناد مورد مطالعه حاوی اظهاراتی بود که نگرش منفی نسبت به ایران را پیش‌بینی می‌کرد، ۱۴ درصد نظراتی داشتند که نشان‌دهنده نگرش بی‌طرف نسبت به ایران بود و ۲۹ درصد حاوی کلماتی بود که نشان‌دهنده نگرش مثبت نسبت به ایران بود. ۱۴ درصد حاوی اظهارات منفی در مورد خلیج فارس بودند، در حالی که ۱۰ درصد حاوی نظرات بی‌طرف در مورد خلیج فارس بودند. حدود ۹۰ درصد نظرات مثبتی در مورد خلیج فارس داشتند (جدول ۱). برخی از اسناد به بیش از یکی از این دسته‌ها به طور همزمان دلالت داشتند، در مورد روابط هند با ایران و کشورهای عربی خلیج فارس به طور همزمان بحث می‌کردند یا موضعی ظریف با جملات یا پاراگراف‌هایی در یک گزارش واحد ارائه می‌کردند که نگرش‌های متفاوتی را نشان می‌داد. به عنوان مثال، در سخنرانی سلمان خورشید، وزیر امور خارجه در فوریه ۲۰۱۳، او ایران را دوست هند با پیوندهای تمدنی قوی توصیف کرد. با این حال، او سپس به محکومیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌کند و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا هند باید محتاط باشد و در این روند کوتاهی کند یا [...] به دنبال حل مسالمت‌آمیز موضوع باشد». او همچنین به آرای هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره می‌کند و اذعان می‌کند که «ما مجبور بوده‌ایم موضعی اتخاذ کنیم که آشکارا لزوماً خود را با آرمان‌ها یا حداقل خواسته‌های تصور شده ایران همسو نمی‌کند». با وجود این، او اصرار دارد که «ما با ایران دوست مانده‌ایم» علی‌رغم اینکه «در لحظات حساس در کنار آن‌ها نبودیم» و «می‌خواهیم تعامل ما به رشد ادامه دهد». خورشید تلاش هند برای متعادل کردن روابط خود با ایران و ایالات متحده را بیان می‌کند و تأکید می‌کند که «ما دوستان خوبی با ایالات متحده

آمریکا باقی می‌مانیم. ما دوستان بسیار خوبی با ایران هستیم» (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۳b).

بر اساس بیان صریح خورشید از معمای هند در رابطه با دوستی با ایران، نگرش بسیار مثبت نسبت به خلیج فارس در طول سال‌های س‌ینگ را می‌توان در قالب تمایل هند به عدم دشمنی با ایالات متحده در پی توافق هسته‌ای ایالات متحده و هند در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸، و همچنین تحریم‌هایی که شورای امنیت، ایالات متحده و اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ بر سر برنامه هسته‌ای ایران اعمال کردند (Bajoria & Pan, ۲۰۱۳b; Davenport, ۲۰۲۱; Ministry of External Affairs, ۲۰۱۰) درک کرد. با این حال، ذکر این نکته نیز ضروری است که در این دوره، با وجود تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و توافق هسته‌ای هند و آمریکا، اظهارات رسمی هند در قبال ایران بیشتر مثبت بود تا منفی. این امر بر تلاش هند برای حفظ روابط دوستانه با ایران، خلیج فارس و ایالات متحده در بحبوحه نظم غیرمتمرکز جهانی و آسیای رو به رشد تأکید می‌کند. این مسئله نه تنها به عدم تعهد دوران جواهر لعل نهرو اشاره دارد، بلکه حاکی از تمرکز فزاینده هند بر گسترش نفوذ خود در آسیا است، زیرا به طور فزاینده‌ای خود را به عنوان یک قدرت بزرگ آسیایی در حال رشد می‌دید.

هشت سند از ۲۱ سند (۳۸ درصد) از این دوره به ظهور هند اشاره دارد. به عنوان مثال، پراناب موکرگی، وزیر امور خارجه هند، در یک سخنرانی در نوامبر ۲۰۰۸ در تهران، هند را این گونه توصیف کرد که «هنگامی که ابتکار هند از تاریخ تمدنی غنی این کشور نشأت می‌گیرد، این کشور کاملاً آماده حرکت رو به جلو است. او از هند به عنوان یک کشور ذاتاً چند قطبی یاد کرد. بنابراین او به تغییر قدرت جهانی در حال تحول اشاره کرد. او با اشاره به اندازه اقتصاد، نرخ رشد و دموکراسی آن، نظرات خود را در مورد هند و «متمم‌های اساسی» ایران در چارچوب «ظهور آسیا» و «جایگاه جدید» هند در ماتریس بین‌المللی قرار داد (Ministry of External Affairs, ۲۰۰۸). بنابراین، او به عوامل مادی و اعتباری در ایجاد زمینه معرفی هند به عنوان یک قدرت بزرگ اشاره کرد.

نیروپاما راتو، وزیر امور خارجه، در ژوئیه ۲۰۱۰ در طی یک گفتگو در مورد هند و ایران در دهلی نو، اظهارات مشابهی را بیان کرد. او پیش بینی کرد: «روابط هند و ایران با

رشد غیر قابل اجتناب دو کشور در قرن حاضر اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد که توسط بسیاری از صاحب نظران به عنوان قرن آسیا لقب گرفته است. او اقتصاد هند را به عنوان یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد در جهان توصیف کرد و به تعهد هند به چند قطبی بودن نسبت به تک قطبی اشاره کرد (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۰). متعاقباً، خورشید در سخنرانی فوریه ۲۰۱۳ خود در مورد معمای هند در قبال ایران، علاقه هند به بندر چابهار و خطوط لوله گاز ایران-پاکستان-هند و ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند را از نظر نیازهای فزاینده هند مشخص کرد. اقتصاد و علاقه هند به افغانستان اشاره به افغانستان بر تمایل هند برای تثبیت قدرت خود در جنوب آسیا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تأکید می‌کند. با این حال، تلاش دهلی برای انجام این کار از طریق خلیج فارس و آسیای مرکزی به پیش‌بینی این قدرت فراتر از جنوب آسیا به آسیای غربی و مرکزی اشاره دارد (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۳b).

همزمان، وزیر امور خارجه هند، ای. احمد، با سخنرانی در مجمع جوانان هند و عربستان سعودی در مارس ۲۰۱۲، امضای بیانیه ریاض توسط هند و عربستان سعودی را در چارچوب «واقعیت‌های جدید جهانی و فرصت‌های در حال آشکار شدن قرن بیست و یکم» قرار داد (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۲). خورشید در بیانیه ای در ماه مه ۲۰۱۳ در جده، استدلال کرد که همکاری هند و عربستان «به ثبات و امنیت کل منطقه و فراتر از آن کمک می‌کند» و «هند و عربستان سعودی را [به عنوان] دو کشور بزرگ در منطقه تعریف کرد». او ادامه داد که «در این قرن آسیا»، همکاری هند و عربستان به نفع «کل منطقه» خواهد بود (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۳c). این یک بیانیه مهم است زیرا او هند و عربستان سعودی را به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در یک منطقه توصیف کرد که به معنای فروپاشی مرز بین مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای جنوب و غرب آسیا است.

خورشید در همان ماه در مصاحبه با عرب نیوز ادعای خود مبنی بر اینکه همکاری هند و عربستان به ثبات منطقه کمک می‌کند را تکرار کرد و در عین حال تصریح کرد که هند بخشی از ائتلاف نظامی سعودی علیه تروریسم نخواهد بود. او این را از نظر ظرفیت و فلسفه هند توضیح داد و به تلاش برای نمایش قدرت فراتر از جنوب آسیا بدون اعزام نیرو به خارج اشاره کرد. او در ادامه تأکید کرد که «البته برای ما اولویت منطقه خودمان است. افغانستان اولویت ماست. [...] اولویت فوری شما باید همسایگی نزدیک شما باشد»

(Ministry of External Affairs, ۲۰۱۳a). بنابراین، شواهدی در این نقطه مبنی بر ابهام در سیاست‌گذاری خارجی هند وجود دارد که آیا باید خود را به عنوان یک قدرت بزرگ آسیایی مطرح کرد یا به عمل کردن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای جنوب آسیا و عدم تمایل به طرح قدرت نظامی فراتر از جنوب آسیا راضی بود. به طور قابل توجهی، هند در سیاست داخلی کشورهای خلیج فارس مداخله نکرده است، که در تضاد با رفتار آن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در جنوب آسیا است. در اینجا، در موارد متعددی در سیاست داخلی کشورهای کوچکتر مداخله کرده است (مثلاً در طول جنگ ۱۹۷۱ بنگلادش، اعزام نیروهای هندی به سریلانکا برای مبارزه با جدایی طلبان تامیل در سال ۱۹۸۷، و تسهیل هند برای توافق بین مائوئیست‌های نپال و سایر سیاستمداران. مهمانی‌های کال در سال ۲۰۰۴ (BABU, ۱۹۹۸; Saran, ۲۰۱۸). این امر به تنش بین تمایل هند برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک قدرت بزرگ و میراث گاندی و نهری آن از ضدیت با استعمار، عدم خشونت، آرمان‌گرایی و عدم تعهد اشاره می‌کند (Kennedy, ۲۰۱۰).

در نهایت، در دوره جاری مودی، ۳ درصد از اسناد حاوی اظهاراتی بود که نگرش منفی نسبت به ایران را نشان می‌داد، ۱۵ درصد نظراتی داشتند که نشان دهنده نگرش بی‌طرف نسبت به ایران بود و ۴۱ درصد حاوی کلماتی بود که نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به ایران بود. پنج درصد شامل اظهاراتی بود که نشان دهنده نگرش منفی نسبت به خلیج فارس بود، ۵ درصد دیگر شامل نظراتی بود که نشان می‌داد نگرش بی‌طرف نسبت به خلیج فارس و ۴۸ درصد حاوی اظهاراتی بود که نشان دهنده نگرش مثبت نسبت به خلیج فارس بود. بیست و هفت درصد کلماتی داشتند که نشان دهنده تلاش برای کسب موقعیت قدرت بزرگ و گسترش نفوذ هند در خلیج فارس بود (جدول ۱). این ارقام باعث ایجاد تردیدهای جدی در مورد این فرضیه می‌شود که طرح هند در راستای دوری از ایران و به سمت خلیج فارس و گرایش بیشتر به سمت کشورهای عربی خلیج فارس است.

شایان ذکر است که در بیشتر دوره دولت مودی تاکنون، ایالات متحده یکی از امضاکنندگان برجام بوده است. زمانی که دولت مودی در ماه مه ۲۰۱۴ به قدرت رسید، جوهر برجام هنوز تازه بود، که تنها هفت ماه قبل، در نوامبر ۲۰۱۳ امضا شده بود. هم ایران و هم کشورهای عربی خلیج فارس را در بر گرفته است. چهار سال کامل از دوره دولت مودی می‌گذشت، یعنی در می ۲۰۱۸، که ایالات متحده از برجام خارج شد و ۱۱ ماه بعد، در آوریل ۲۰۱۹، پایان معافیتی را که به هند برای واردات نفت از ایران اعطا کرده بود، اعلام

کرد (Davenport, ۲۰۲۱).

در واقع، ۳۱ سند از ۵۳ سند حاوی اظهارات مثبت درباره ایران، یعنی ۵۸ درصد از گزارش‌های حاوی اظهارات مثبت، توسط دولت مودی بین مه ۲۰۱۴ تا مه ۲۰۱۸، زمانی که ایالات متحده از برجام خارج شد، منتشر شد. ۹ سند دیگر حاوی نظرات مثبت در قبال ایران، یعنی ۱۷ درصد از سوابق حاوی اظهارات مثبت، بین ژوئن ۲۰۱۸ و آوریل ۲۰۱۹ منتشر شده است، زمانی که ایالات متحده لغو معافیت نفتی واردات نفت از ایران به هند را اعلام کرد. بنابراین، ۴۰ مورد از ۵۳ یا ۷۵ درصد از اسناد حاوی اظهارات مثبت درباره ایران، قبل از پایان رسمی معافیت هند در ماه مه ۲۰۱۹ منتشر شده است. با این حال، بازه زمانی مه ۲۰۱۴ تا آوریل ۲۰۱۹ نیز تنها ۵ سال از ۷ سال حکومت دولت مودی تا سال ۲۰۲۱ را شامل می‌شود.

در واقع، دولت در پاسخ به سوالی که در ژوئیه ۲۰۱۹ در پارلمان مطرح شد در رابطه با فشار بر هند برای کاهش واردات نفت از ایران، موضع مکرر خود را تکرار کرد که «روابط دوجانبه هند با ایران ذاتی است و تحت تأثیر روابط هند با کشورهای ثالث قرار نمی‌گیرد.» (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۹c). در سپتامبر ۲۰۱۹، طی رایزنی بین دفاتر خارجی هر دو طرف توافق کردند که شتاب همکاری و مبادلات را حفظ کنند (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۹a). در همان ماه، در دیدار مودی و حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، «دو رهبر پیشرفت در روابط دوجانبه از اولین دیدارشان در اوج در سال ۲۰۱۵ را مثبت ارزیابی کردند» و «به ویژه بر عملیاتی شدن بندر چابهار» تأکید کردند (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۹b).

در سپتامبر ۲۰۲۰، دولت در پاسخ به سؤال پارلمان در مورد توافق گسترده ایران و چین، بار دیگر تأکید کرد که روابط هند با ایران بر پایه خود و مستقل از روابط این کشور با کشورهای ثالث است (Ministry of External Affairs, ۲۰۲۰a). دولت در پاسخ به سؤالات دیگری مبنی بر اینکه آیا هند همچنان در پروژه ریلی چابهار-زاهدان و ساخت بندر چابهار مشارکت دارد یا خیر، تأکید کرد که هند با هر دو طرف همکاری می‌کند (Ministry of External Affairs, ۲۰۲۰c, ۲۰۲۰b, ۲۰۲۰a). در سال ۲۰۲۱، اگرچه شرکت همکاری نفت و گاز طبیعی ویدش در بخش عمومی هند حقوق توسعه میدان گازی فرزاد-بی ایران را از دست داده است اما رسانه‌های هندی گزارش دادند که

هند کار بر روی پروژه بندر چابهار را از سر گرفته است. مقامات ایرانی در همین دوره ایرانی معتقد بودند شرکت‌های هندی به دلیل تحریم‌های ایالات متحده حاضر به شرکت در این پروژه نبودند (MEED, ۲۰۲۱; Singh & Roy, ۲۰۲۱).

از نظر روابط با خلیج فارس، دولت مودی در بیانیه‌های خود بر مخاطرات حیاتی هند در منطقه تأکید کرده است: مهاجران هندی قابل توجه ساکن در منطقه خلیج فارس، واردات نفت خام، و این واقعیت که این منطقه بزرگ‌ترین شریک تجاری هند است (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۴). روند سیاست خارجی در دولت ناریندرا مودی نشان دهنده تعهد شخصی وی برای ارتقای سطح روابط و نزدیکی دهلی - ریاض است (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۵b). ابتکار مودی در بازدید از امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۵ که اولین سفر نخست وزیر مستقر هند در ۳۴ سال گذشته بود، به عنوان مبنایی برای ایجاد یک مشارکت استراتژیک بین دو کشور در نظر شده است (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۵a). با دولت مودی همچنین موفقیت مشارکت راهبردی هند و عربستان سعودی را که توسط دولت سینگ از طریق بیانیه Ministry of External Affairs, ۲۰۱۰ ایجاد شد، تأیید کرده است (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۶a).

روابط هند با عربستان سعودی به صورت یک رابطه ویژه و بس‌یار مهم توصیف شده و بر همکاری‌های دفاعی رو به رشد بین دو کشور تأکید گردیده است. طی یک جلسه توجیهی رسانه ای در مارس ۲۰۱۶، وزیر خلیج فارس، مریدال کومار^۱، بر نقش مهم عربستان سعودی برای منافع ملی هند از نظر منبع کلیدی تامین انرژی، میزبانی برای مهاجران هندی بزرگ و مقصدی برای مسلمانان هند که برای حج به این کشور می‌روند تأکید کرد. وی همچنین بر تعهد مودی به تقویت روابط سیاسی با منطقه خلیج فارس و بر همکاری امنیتی با عربستان سعودی تأکید کرد (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۶b).

عمار سین‌ها^۲، وزیر (روابط اقتصادی) در طی یک جلسه رسانه ای بعدی در مورد نتایج سفر مودی به عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶، نگاهی اجمالی به نگرش مودی نسبت به عربستان سعودی ارائه کرد. او توضیح داد که چگونه هیئت هندی از شنیدن صدای زنان کارمند خدمات مشاوره تاتا در ریاض که شعار می‌دادند «مودی، مودی» «متعجب» شد.

۱- Mridul Kumar

۲- Amar Sinha

او گفت که این اولین سفر مودی به عربستان سعودی بود و تجاری بود که او داشت، انتظارش را نداشت. او گفت که مودی از این دیدار «ابراز خوشحالی» کرده است و اعطای ارسی مخصوص ملک عبدالعزیز به مودی «یک شگفتی بزرگ» بود که «به طرز خوشایندی همه را شگفت زده کرد». او همچنین از (نزدیکی بین دو رهبر) - مودی و ملک سلمان (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۶b; The Economic Times, ۲۰۲۱) صحبت کرد.

پنج سال بعد، در بیانیه مشترکی که توسط هند و عربستان سعودی در جریان سفر محمد بن سلمان، به هند صادر شد، دو طرف سفر مودی در سال ۲۰۱۶ را یک سفر برجسته توصیف کردند و روابط رو به رشد دفاعی دو کشور را جشن گرفتند. آن‌ها پیشرفت‌های حاصل شده در دوران سینگ را از طریق امضای یادداشت تفاهم در مورد همکاری‌های دفاعی در فوریه ۲۰۱۴ طی سفر ملک سلمان به هند و بیانیه ریاض در فوریه ۲۰۱۰ (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۹a) تصدیق کردند.

به همین ترتیب، ناوتج سوری^۱، سفیر هند در امارات متحده عربی، در جریان یک جلسه توجیهی رسانه ای درباره حضور سوشما سواراج^۲، وزیر امور خارجه در نشست سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۱۹، عمق روزافزون روابط هند و امارات را گرمی داشت. دبیر (روابط اقتصادی) ت.س. تیرومورتی^۳ تحکیم روابط هند با امارات و خلیج فارس را مرهون سفرهای ولیعهد اماراتی و سعودی به هند در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ و سفر مودی به امارات در سال ۲۰۱۸ دانست. وی دعوت از هند به عنوان مهمان افتخاری برای شرکت در نشست سازمان همکاری اسلامی را به روابط بسیار عمیق و بس‌یار نزدیک بین هند و امارات متحده عربی، و همچنین جایگاه هند در جمع ملت‌ها مرتبط دانست (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۹b).

بنابراین، در ادامه گفتمان دولت سینگ، لفاظی‌های دولت مودی در مورد روابط با خلیج فارس نه تنها بر ابتکار مودی و منافع ملی هند در زمینه تجارت و جریان‌های مهاجر، بلکه بر رشد هند و قدرت جهانی متمرکز شده است. تغییر مکان. به عنوان مثال، در یک بیانیه مشترک در سال ۲۰۱۵ که توسط هند و امارات منتشر شد، آن‌ها ادعا کردند که

۱- Navtej Suri

۲- Sushma Swaraj

۳- T.S. Tirumurti

همکاری‌های اقتصادی قدیمی به پیشرفت در منطقه کمک می‌کند و به تحقق چشم انداز یک قرن آسیایی منجر می‌گردد. این بیانیه همچنین هند را «یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی» و «یکی از لنگرهای اقتصاد جهانی» توصیف می‌کند (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۵a). به هم‌بین ترتیب، در یک وضعیت مشترک در بیانیه صادر شده توسط هند و عربستان سعودی، دو کشور به «مسئولیت خود برای ارتقای صلح، ثبات و امنیت در منطقه و جهان» اشاره کردند که این ایده مکتب انگلیسی را نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ وظایف و مسئولیت‌های ویژه‌ای در قبال تأمین امنیت بین‌المللی و جامعه دولت‌ها دارند (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۶a; Kapur, ۲۰۲۱).

به همین ترتیب، دولت در پاسخ به سؤال پارلمانی که در جولای ۲۰۱۷ مطرح شد، بر سودمندی بندر چابهار برای دسترسی افغانستان به بازارهای منطقه تأکید کرد. بنابراین، تمایل هند برای کنشگری به عنوان یک قدرت منطقه‌ای برای دسترسی افغانستان و بازارهای منطقه‌ای، اما به‌گونه‌ای که از جنوب آسیا فراتر می‌رود، نشان داده شد و همچنین مؤلفه ایران برای قدرت هند در راستای دور زدن پاکستان مورد تأیید قرار گرفت (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۷). این نشان دهنده رفتار یک دولت با توانایی فراتر رفتن از منطقه مجاور خود و فرافکنی قدرتش در یک منطقه همسایه است. همچنین در بیانیه مشترک هند و ایران، دو کشور بر نقش منحصربه‌فرد ایران و هند در ارتقای ارتباط چندوجهی در داخل و سراسر منطقه تأکید کردند و از بندر چابهار به‌عنوان «دروازه‌هایی جدید برای ورود و خروج» به افغانستان، آسیای مرکزی و فراتر از آن یاد کردند (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۸). این نشان دهنده تلاشی برای فرافکنی قدرت هند به آسیای مرکزی از طریق خلیج فارس و فراتر رفتن از محدوده جنوب آسیا است.

سرانجام، در ادامه دیپلماسی بین هند و کشورهای عربی خلیج فارس در دوران واجپایی و س‌ینگ که شامل اظهارات حمایت کشورهای خلیج فارس از عضویت دائم هند در شورای امنیت سازمان ملل بود، بیانیه‌های متعددی که در دوره مودی صادر شد، دولت‌های خلیج فارس و همچنین ایران از نامزدی هند حمایت کردند (Ministry of External Affairs, ۲۰۱۵a; Ministry of External Affairs, ۲۰۱۸; Ministry of External Affairs, ۲۰۱۶a, ۲۰۱۹b). این نمونه دیگری از تلاش هند برای به رسمیت شناختن به عنوان یک قدرت بزرگ از طریق سی‌یاست پیون با غرب (غرب جغرافیایی کشور هند) است.

نتیجه‌گیری

همانگونه که در ابتدای این مقاله عنوان شد بر اساس ادبیات تجربی موجود در مورد روابط هند و خلیج فارس، هند در رابطه با مناسبات خود با خلیج فارس، به ویژه در زمان مودی، دستخوش یک تغییر پارادایمی شده است. این جابجایی کلی قرار بود شامل یک شیب از ایران و به سمت خلیج فارس باشد. همچنین گفته شد که بر اساس فرضیه‌های نظریه مجموعه امنیت منطقه ای، این شیب ناشی از تلاش هند برای به رسمیت شناختن شدن به عنوان یک قدرت بزرگ است که با حرکت نظم بین‌المللی به سمت آنچه بوزان جهانی‌گرایی غیرمتمرکز می‌نامد مطابقت دارد.

تجزیه و تحلیل محتوای انجام شده در بالا نشان می‌دهد که در واقع، در دوره نخست وزیری واجپایی، سینگ و مودی، گفتمان رسمی هند در مورد روابط با خلیج فارس به طور مداوم به زبانی بیان شده است که تمایل هند را برای اثبات خود به عنوان یک قدرت بزرگ بیان می‌کند. تعامل بیشتر با خلیج فارس موضوعی ثابت در اظهارات درباره ایران و کشورهای عربی خلیج فارس بوده است. بیانی‌ها در مورد روابط با خلیج فارس همچنین بر اهمیت این منطقه برای هند به عنوان میزبان مهاجران هندی بزرگ و منبع حیاتی تأمین انرژی تأکید کرده است.

با این حال، اسناد تجزیه و تحلیل شده نشان دهنده تغییر الگوی دور شدن از ایران در زمان مودی نیست. در عوض، به نظر می‌رسد که حرکت به سمت خلیج فارس و دوری از ایران در طول سال‌های سینگ صورت گرفته است، زمانی که اظهارات مثبتی درباره کشورهای عربی خلیج فارس در ۹۰ درصد اسناد مورد مطالعه نشان داده شد که در تضاد با تنها ۲۹ درصد از اسناد حاوی نظرات مثبت درباره ایران است. این یک تغییر قابل توجه نسبت به دوره قبلی، یعنی واجپایی بود، که محتوای مورد مطالعه صرفاً بر روابط با ایران متمرکز بود و لحن کاملاً مثبتی داشت.

در نهایت، در دوران مودی، نگرش نسبت به خلیج فارس و ایران متعادل‌تر به نظر می‌رسد، به طوری که ۴۱ درصد اسناد حاوی اظهارات مثبت در مورد ایران و ۴۸ درصد نظرات مثبت در مورد خلیج فارس هستند. علاوه بر این، این روند تغییر در رویکرد هند به خلیج فارس در دوره واجپایی، سینگ و مودی را می‌توان در قالب تحریم‌های بین‌المللی و تلاش هند برای دستیابی به موقعیت قدرت بزرگ توضیح داد. در حالی که لفاظی هند در

طول هر سه دوره نخست وزیری حاکی از تمایل به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک قدرت بزرگ بوده که زیربنای حرکت هند به سمت خلیج فارس است، به نظر می‌رسد که تعمیق و روند روابط با ایران با تحمیل و برداشتن تحریم‌های بین‌المللی رابطه داشته باشد. اگرچه ایران در دوران واجپایی به عنوان «دولت حامی ترور» تحت تحریم‌های آمریکا قرار داشت، اما تحریم‌های بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای آن تنها در دوره سینگ اعمال شد. این امر همراه با توافق هسته‌ای مهم سینگ با ایالات متحده، توضیح می‌دهد که چرا روابط هند با کشورهای عرب خلیج فارس در این دوره بر روابط با ایران اولویت قائل شد.

سرانجام، در بیشتر دوره مورد مطالعه مودی (۲۰۲۱-۲۰۱۴)، ایالات متحده بخشی از برجام بود یا هند از معافیت واردات نفت از ایران برخوردار گردید. علاوه بر این، دولت مودی در برابر اتحاد خود با ایالات متحده در موقعیت بسیار امن‌تری قرار داشت. مودی تقریباً یک دهه پس از امضای توافق هسته‌ای ایالات متحده و هند به قدرت رسید و تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده علیه هند مربوط به گذشته‌ای دور از آن بود.

در حالی که روابط با ایران در واکنش به تحریم‌های بین‌المللی کاهش یافته و جریان یافته است، روند گسترده‌تر تلاش برای انتقال قدرت به مجموعه امنیتی منطقه‌ای مجاور از الگوی ارائه شده توسط نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای پیروی کرده است. از آنجایی که نظم بین‌المللی به سمت جهان‌گرایی چندقطبی و غیرمتمرکز حرکت کرده است، هند در حال رشد به دنبال فراتر رفتن از مجموعه امنیتی جنوب آسیا و فراقلمی قدرت خود در مجموعه مجاور غرب آسیا، به‌ویژه مجموعه فرعی خلیج فارس است. از نظر عملی، این سیاست نشان می‌دهد که صرف نظر از اینکه آیا دولت بایدن می‌تواند به برجام بازگردد یا خیر، تعمیق روابط هند با خلیج فارس احتمالاً به شیوه‌ای پایدار ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، این تحلیل نشان دهنده تغییر نگرش نسبت به ایران پس از آمریکا نیست.

گزارش‌های رسانه‌ها حاکی از آن است که شرکت‌های هندی برای پیشبرد سرمایه‌گذاری‌های مشترک بزرگ مانند راه آهن چابهار-زاهدان و میدان گازی فرزاد بی تردید داشته‌اند. با این حال، تحلیل محتوای فوق حاکی از آن است که لحن گفتمان رسمی هند عمدتاً نسبت به ایران مثبت باقی مانده است. از این رو، رویکرد هند به خلیج فارس را کمتر به عنوان یک محور دور از ایران و به سمت خلیج فارس و بیشتر به عنوان تلاشی برای فراقلمی قدرت در خلیج فارس در کل آن درک می‌شود. اگر تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران برداشته شود، هند احتمالاً تلاش‌های خود را در زمینه همکاری

اقتصادی و استراتژیک با ایران تقویت می‌کند و در عین حال حرکت مثبت روابط با کشورهای عربی خلیج فارس را حفظ می‌کند.

در اصطلاح نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، این سیاست با طرح کلی بوزان و ویور (۲۰۰۳) از سناریویی که در آن یک قدرت بزرگ قدرت خود را به مجموعه امنیتی مجاور پخش می‌کند، همسو می‌شود و باعث ظهور یک ابرمجموعه می‌شود. بنابراین، بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته از گفتمان‌های سیاست‌گذاران هند در دو دهه گذشته، این استدلال مطرح شد که هند به‌طور فعال به دنبال فرافکنی قدرت خود در زیرمجموعه خلیج فارس است. این امر ایده‌هایی را در مورد هند که احتمالاً به عنوان یک قدرت بزرگ در آسیا، از جمله خلیج فارس عمل می‌کند، به پیش می‌برد. در نتیجه می‌توان گفت که ابرمجموعه‌ای از جنوب و غرب آسیا به دلیل فرافکنی قدرت هند در خلیج فارس پدید آمده است. مجموعه‌های امنیتی اصلی جنوب و غرب آسیا دست نخورده باقی می‌مانند زیرا دینامیک درون منطقه‌ای آن‌ها قابل توجه است. با این وجود، تأکید اولیه هند بر همکاری امنیتی، دفاعی و اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس در هر دو طرف رقابت ایران و عربستان سعودی با الگوی ترسیم شده توسط بوزان و ویور در مورد دگرگونی خارجی یک مجموعه امنیتی از طریق یک قدرت بزرگ که نفوذ خود را در داخل یک مجموعه منطقه‌ای مجاور وارد می‌کند، مطابقت دارد که در نتیجه، منجر به ظهور یک ابرمجموعه می‌شود.

Reference:

Ahmad, T. (2015). The Gulf region'. In The Oxford Handbook of Indian Foreign Policy. Oxford University Press.

BABU, A. (1998). Indian Intervention In Sri Lanka: ANATOMY OF A FAILURE. World Affairs: The Journal of International Issues, 2(3), 132–145. <https://www.jstor.org/stable/45064546>

Bajoria, J., & Pan, E. (2010). The U.S.-India Nuclear Deal | . Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/backgrounders/us-india-nuclear-deal>

Burton, G. (2019). India's "Look West" Policy in the Middle East under Modi. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/indias-look-west-policy-middle-east-under-modi>

Buzan, B. (2002). South Asia moving towards transformation: Emergence of India as a great power. International Studies, 39(1), 1–24. https://doi.org/10.1177/002088170203900101/ASSET/002088170203900101.FP.PNG_V03

Buzan, B. (2011). The South Asian Security Complex in a Decentring World Order: Reconsidering Regions and Powers Ten Years On. International Studies, 48(1), 1–19. <https://doi.org/10.1177/002088171204800101>

Buzan, B., & Wæver, O. (2003). Regions and Powers: The Structure of International Society. In International Studies Review (Vol. 7). The Press Syndicate of the University of Cambridge.

Chaudhuri, P. P. (2017a). Think West to Go West: Origins and Implications of India's West Asia Policy Under Modi (Part I). Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/think-west-go>

west-origins-and-implications-indias-west-asia-policy-under-mo-di-part-i

Chaudhuri, P. P. (2017b). Think West to Go West: Origins and Implications of India's West Asia Policy Under Modi (Part II). Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/think-west-go-west-origins-and-implications-indias-west-asia-policy-under-mo-di-part-ii>

Davenport, K. (2021). Timeline of Nuclear Diplomacy With Iran. Arms Control Association. <https://www.armscontrol.org/factsheets/Timeline-of-Nuclear-Diplomacy-With-Iran>

Ganguly, S., & Blarel, N. (2020). The UAE and Other Gulf States Are Upset With India Because of Islamophobia. Foreign Policy. <https://foreignpolicy.com/2020/05/05/gulf-states-backtracking-india/>

Gopal, N. (2022). Dangerous flames: Narendra Modi's West Asia outreach is in peril . Telegraph India. <https://www.telegraphindia.com/opinion/dangerous-flames-narendra-modis-west-asia-outreach-is-in-peril/cid/1870031>

Hafeez, M. (2019). India-Iran Relations Challenges and Opportunities. *Strategic Studies*, 39(3), 22–36. <https://www.jstor.org/stable/48544308>

Halperin, S., & Heath, O. (2012). *Political research : methods and practical skills*. Oxford University Press. <https://global.oup.com/academic/product/political-research-9780198820628>

Hussain Wani, S., Mir, M. A., & Ahmad Shah, I. (2019). India–Iran Trade Relations Under the Shadow of USA Sanc-

tions. *Foreign Trade Review*, 54(4), 399–407. <https://doi.org/10.1177/0015732519874222>

Hussain, Z. (2017). *India-Saudi Arabia Relations: New Bilateral Dynamics*. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/india-saudi-arabia-relations-new-bilateral-dynamics>

Johny, S. (2017). *India’s Balancing Act in the Gulf*. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/indias-balancing-act-gulf>

Kapur, Saloni. (2021). *Pakistan after Trump : Great Power Responsibility in a Multi-Polar World*. Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing.

Kennedy, A. (2010). *Nehru’s Foreign Policy* (D. M. Malone, C. R. Mohan, & S. Raghavan, Eds.; Vol. 1). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198743538.013.7>

MEED. (2021). *Iran awards \$1.8bn Farzad B gas field contract*. <https://www.offshore-technology.com/comment/iran-farzad-b-contract/>

Ministry of External Affairs. (2003). *EAM’s speech at the 7th India-Iran Joint Business Council Meeting, Tehran*. <https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/5647/eams+speech+at+the+7th+indiairan+joint+business+>

Ministry of External Affairs. (2008). *Address by H.E.Mr. Pranab Mukherjee, Minister of External Affairs at a Seminar on “India and Iran : Ancient Civilizations and Modern Nations” in Tehran*. <https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/1768/address+by+hemr+pranab+mukherjee+minister+of+external+affairs+at+>

a+seminar+on+india+and+iran++ancient+civilizations+and+modern+nations+in+tehran

Ministry of External Affairs. (2010). Speech by Foreign Secretary at IDSA-IPIS Strategic Dialogue on India and Iran: an enduring relationship. <https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/706/speech+by+foreign+secretary+at+idsaipis+strategic+dialogue+on+india+and+iran+an+enduring+relationship>

Ministry of External Affairs. (2012). Remarks by Minister of State Shri E. Ahamed at the India-Saudi Arabia Youth Forum. <https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/19171/remarks+by+minister+of+state+shri+e+ahamed+at+the+indiasaudi+arabia+youth+forum>

Ministry of External Affairs. (2013a). External Affairs Minister's interview to Arab News, Saudi Arabia . <https://mea.gov.in/interviews.htm?dtl/21752/external+affairs+ministers+interview+to+arab+news+saudi+arabia+may+27+2013>

Ministry of External Affairs. (2013b). External Affairs Minister's speech at Global India Foundation Conference on "Iran's Eurasian Dynamic: Mapping Regional and Extra-Regional Interests." <https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/21246/external+affairs+ministers+speech+at+global+india+foundation+conference+on+irans+eurasian+dynamic+mapping+regioal+and+extraregional+interests>

Ministry of External Affairs. (2013c). Opening Statement by External Affairs Minister at Joint Press Conference with Foreign Minister of Kingdom of Saudi Arabia, in Jeddah. <https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/21748/opening+statement+by>

+external+affairs+minister+at+joint+press+conference+with+for
 eign+minister+of+kingdom+of+saudi+arabia+in+jeddah

Ministry of External Affairs. (2014). Official visit of External Af-
 fairs Minister to United Arab Emirates. [https://mea.gov.in/press-
 releases.htm?dtl/24203/official+visit+of+external+affairs+minist
 er+to+united+](https://mea.gov.in/press-releases.htm?dtl/24203/official+visit+of+external+affairs+minist+er+to+united+)

Ministry of External Affairs. (2015a). Joint Statement between
 the United Arab Emirates and the Republic of India. [https://mea.
 gov.in/bilateral-documents.htm?dtl/25733/joint+statement+bet
 ween+the+united+arab+emirates+and+the+republic+of+india](https://mea.gov.in/bilateral-documents.htm?dtl/25733/joint+statement+bet+ween+the+united+arab+emirates+and+the+republic+of+india)

Ministry of External Affairs. (2015b). Prime Minister's telephon-
 ic conversation with King Salman bin Abdul aziz Al Saud of Saudi
 Arabia. [https://mea.gov.in/press-releases.htm?dtl/25030/prime
 +ministers+telephonic+conversation+with+king+salman+bin+ab
 dul+aziz+al+saud+of+saudi+arabia](https://mea.gov.in/press-releases.htm?dtl/25030/prime+ministers+telephonic+conversation+with+king+salman+bin+ab+dul+aziz+al+saud+of+saudi+arabia)

Ministry of External Affairs. (2016a). Official visit of Foreign Min-
 ister of Saudi Arabia to India. [https://mea.gov.in/press-releases.
 htm?dtl/26478/official+visit+of+foreign+minister+of+saudi+arab
 ia+to+india+march+0708+2016](https://mea.gov.in/press-releases.htm?dtl/26478/official+visit+of+foreign+minister+of+saudi+arab+ia+to+india+march+0708+2016)

Ministry of External Affairs. (2016b). Prime Minister's statement
 prior to his departure to Belgium, USA and Saudi Arabia. [https://
 mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/26570/prime+minist
 ers+statement+prior+to+his+depar+ture+to+belgium+usa+and+s
 audi+arabia](https://mea.gov.in/Speeches-Statements.htm?dtl/26570/prime+minist+ers+statement+prior+to+his+depar+ture+to+belgium+usa+and+s+audi+arabia)

Ministry of External Affairs. (2019a). Foreign Office Consulta-
 tions between India and Iran. [https://mea.gov.in/press-releases.](https://mea.gov.in/press-releases)

htm?dtl/31828/foreign+office+consultations+between+india+and+iran

Ministry of External Affairs. (2019b). Prime Minister meets President of Iran. <https://mea.gov.in/press-releases.htm?dtl/31869/prime+minister+meets+president+of+iran>

Ministry of External Affairs. (2019c). QUESTION NO.1932 TRADE AGREEMENT WITH IRAN. <https://mea.gov.in/lok-sabha.htm?dtl/31536/question+no1932+trade+agreement+with+iran>

Ministry of External Affairs. (2020a). QUESTION NO.517 IRAN-CHINA DEAL. <https://mea.gov.in/lok-sabha.htm?dtl/32980/question+no517+iran+china+deal>

Ministry of External Affairs. (2020b). QUESTION NO.1362 MoU WITH IRAN ON CHABAHAR PORT. <https://mea.gov.in/rajya-sabha.htm?dtl/33036/question+no1362+mou+with+iran+on+chabahar+port>

Ministry of External Affairs. (2020c). QUESTION NO.1675 CHABAHAR PORT. <https://mea.gov.in/lok-sabha.htm?dtl/33013/question+no1675+chabahar+port>

Ministry of External Affairs. (2018). India-Iran Joint Statement during Visit of the President of Iran to India . <https://mea.gov.in/bilateral-documents.htm?dtl/29495/indiairan+joint+statement+during+visit+of+the+>

Ministry of External Affairs. (2016a). India-Saudi Arabia Joint Statement during the visit of Prime Minister to Saudi Arabia. <https://mea.gov.in/bilateral-documents.htm?dtl/26595/indiasaudi+arabia+joint+statement+during+the+visit+of+prime+ministe>

r+to+saudi+arabia+april+03+2016

Ministry of External Affairs. (2016b). Transcript of Media Briefing by Secretary (ER) in Riyadh on Prime Minister's visit to Saudi Arabia. <https://mea.gov.in/media-briefings.htm?dtl/26598/transcript+of+media+briefing+>

Ministry of External Affairs. (2017). QUESTION NO.512 MEDIATION BY IRAN. <https://mea.gov.in/lok-sabha.htm?dtl/28640/question+no512+mediation+by+iran>

Ministry of External Affairs. (2019a). India-Saudi Arabia Joint Statement during the State Visit of His Royal Highness the Crown Prince of Saudi Arabia to India. <https://mea.gov.in/bilateral-documents.htm?dtl/31072/indiasaudi+>

Ministry of External Affairs. (2019b). Transcript of Media Briefing by Secretary (ER) during visit of EAM to UAE for the OIC Foreign Minister's Council. <https://mea.gov.in/media-briefings.htm?dtl/31110/transcript+of+>

Mohan, C. R. (2020). India must seize the new strategic possibilities with the Gulf. The Indian Express. <https://indianexpress.com/article/opinion/columns/india-gulf-nations-relations-trade-crude-oil-jaishankar-visit-7062948/>

Pardesi, M. S. (2015). Is India a Great Power? Understanding Great Power Status in Contemporary International Relations. *Asian Security*, 11(1), 1–30. <https://doi.org/10.1080/14799855.2015.1005737>

Pradhan, D. (2020). View: How India-Gulf ties are undergoing a fundamental reset . The Economic Times. <https://economic->

times.indiatimes.com/news/economy/foreign-trade/view-how-india-gulf-ties-are-undergoing-a-fundamental-reset/article-show/79602451.cms

Pröbsting, M. (2020). Is India a New Emerging Great Power? Critique, 48(1), 31–49. <https://doi.org/10.1080/03017605.2019.1706783>

Saran, S. (2018). How India sees the world : Kautilya to the 21st century. Juggernaut .

Singh, K., & Roy, S. (2021). OVL loses operating rights for Iran's Farzad-B gas field. The Indian Express. <https://indianexpress.com/article/business/ovl-loses-operating-rights-for-irans-farzad-b-gas-field-7320606/>

Siyech, M. S., & Singh, K. R. (2018). India's Iran Quandary | Middle East Institute. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/indias-iran-quandary>

The Economic Times. (2021). TCS completes acquisition of GE's stake in TCS Saudi Arabia. <https://economictimes.indiatimes.com/tech/information-tech/tcs-completes-acquisition-of-ges-stake-in-tcs-saudi-arabia/articleshow/83009603.cms?from=mdr>